

پروژه باستان‌شناسی دشت مهران: زیستگاه‌های دوران روستانشینی^(۱)

اردشیر جوانمردزاده*

دانشجوی دکتری رشته باستان‌شناسی دانشگاه تهران

حسن فاضلی نشلی

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

حجت دارابی

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه

(از ص ۱۱ تا ۳۰)

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۴/۲۰، تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۷/۳۰

چکیده

در فروردین‌ماه سال ۱۳۸۹، بررسی باستان‌شناسی دشت مهران با هدف شناسایی و ثبت محوطه‌های پیش‌ازتاریخی مشهود انجام شد. طی این بررسی تعداد ۳۶ محوطه باستانی اعم از محوطه باز، پناهگاه صخره‌ای و تپه شناسایی و ثبت شد؛ از این تعداد، ۱۵ محوطه مربوط به دوران پیش‌از تاریخ (روستانشینی تا شهرنشینی) می‌باشند که در این مقاله به بحث در مورد دوره‌های زیستگاهی این محوطه‌ها از دوران نوسنگی تا آغاز شهرنشینی پرداخته می‌شود. در مجموع می‌توان ۱ محوطه را به دوران نوسنگی بی‌سفال، ۲ محوطه روستانشینی آغازین، ۵ محوطه روستانشینی قدیم، ۸ محوطه روستانشینی میانه، ۳ محوطه روستانشینی جدید، نسبت داد. بررسی‌های انجام یافته در این محوطه‌ها حاکی از برهم‌کنش جوامع پیش از تاریخ دشت مهران با فرهنگ‌های پیش‌ازتاریخی خوزستان، دهلران و بین‌النهرین است. این نوشتار به بررسی استقرارهای منسوب به دوران نوسنگی بی‌سفال تا روستانشینی جدید می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: بررسی باستان‌شناسی، دشت مهران، دوران روستانشینی، الگوی استقرار، توالی فرهنگی

* نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول مقاله: ajavanmard@ut.ac.ir

مقدمه

دشت مهران، هرچند در استان ایلام در غرب کشور واقع شده است، اما از لحاظ زمین‌ریخت‌شناسی و فرهنگی بخشی از ربع جنوب‌غربی ایران است (ملک شه‌میرزادی ۱۳۷۸: ۵۱۸-۴۹۹؛ Moghaddam 2012:5). برخلاف دیگر بخش‌هایی جنوب‌غربی ایران که بیشترین بررسی‌های فشرده باستان‌شناسی خاورمیانه در آن‌ها انجام شده است (Adams 1962; Hole et al. 1969; Johnson 1973; Nissen and Redman 1970-1; Hole 1977, 1980, Dittman 1984, Hole 1985, Dittman 1984; Hole 1987; Wright 1981; Neely & Wright 1994, Moghaddam and Miri 2003; Wright and Carter 2003; Moghaddam 2012 a,b) (تاکنون) به‌طور روشمند و پرسش‌محور بررسی نشده و از نقطه‌نظر مطالعات باستان‌شناسی منطقه‌ای ناشناخته باقی مانده بود که بیشتر ناشی از مشکلات سیاسی پیش و پس از انقلاب اسلامی (مانند جنگ تحمیلی) می‌باشد؛ این در حالی است که مطالعات پراکنده در خود دشت و دشت‌های مجاور حاکی از اهمیت بی‌بدیل آن در برهم‌کنش جوامع پیش‌ازتاریخ منطقه است. موقعیت جغرافیایی دشت مهران که در حدفاصل دشت بین‌النهرین و دشت‌های دهلران و شوشان قرار گرفته، از آن پلی ارتباطی بین این مناطق ساخته است (Alizadeh 2001). مدارک باستان‌شناسی منتشرشده از مناطق هم‌جوار حکایت از نقش کلیدی دشت مهران در برهم‌کنش‌های پیش‌ازتاریخی این جوامع است (علیزاده ۱۳۸۲؛ Wright 1981; Hole 1977: 264-6; Alizadeh 2001; Moghaddam 2012a). بنابراین، با هدف انجام اولین مطالعه روشمند محوطه‌های پیش‌ازتاریخی، پروژه باستان‌شناسی دشت مهران (The Archaeological Project of the Mehrān Plain, APMP) در فروردین ماه ۱۳۸۹ آغاز شد که به شناسایی ۳۶ محوطه از دوران پارینه‌سنگی قدیم تا شهرنشینی منجر شد؛ محوطه‌های دوران پارینه‌سنگی در جای دیگری چاپ شده و انتشار یافته است (دارابی و دیگران ۱۳۹۰ Darabi et al. 2012; Javanmardzadeh and Darabi, in press). در این مقاله، ضمن معرفی نتایج بررسی محوطه‌های مربوط به نوسنگی بی‌سفال تا شهرنشینی در دشت مهران، نوسانات زیستگاهی آن‌ها بحث شده است.

دشت مهران

دشت مهران با کمی انحراف به سمت جنوب غرب، در جنوب استان ایلام و مجاورت دشت‌های دهلران در شرق، بین‌النهرین در غرب و جنوب غرب و مندلی در شمال غربی قرار گرفته است (نقشه شماره ۱). این دشت از شمال به کوه‌های پشمین (Pashmin)، از جنوب به جبال حمرین (Jebal-e Hamrin)، از غرب به کشور عراق و از شرق به کوه آناران و کرویدور طبیعی منتهی به دشت دهلران محدود شده است؛ با این حال، از نقطه‌نظر فرهنگی و باستان‌شناختی منتهی‌الیه شمال‌غربی خوزستان فرهنگی (ملک شه‌میرزادی ۱۳۷۸: ۵۱۸-۴۹۹) یا همان سوزیانای بزرگ (Kouchoukos 1998: 80; Moghaddam 2012a:1-3) به‌شمار می‌رود. گستره دشت مهران حدود ۴۰۰ کیلومتر مربع و به‌صورت مستطیل‌شکل در جهت شرقی-غربی می‌باشد که دارای ارتفاع متغیر از ۱۰۰ متر در غربی‌ترین و حدود ۴۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد در منتهی‌الیه شرقی است. رودخانه‌های اصلی دشت که دائمی بوده و نقشی کلیدی را در برپایی زیستگاه‌های دشت ایفا کرده‌اند به ترتیب عبارتند از: رود گنجان چم (Konjān Cham)، گاوی (Gāvi) و چنگوله (Changouleh)؛ رود گنجان چم که از ارتفاعات کبیرکوه در شمال شرقی دشت مهران سرچشمه می‌گیرد، پس از طی مرز شمال‌غربی دشت، در غرب دشت به رودخانه

گاوی می‌ریزد. در واقع همین رودخانه است که سرحد شمال‌غربی دشت را محدود کرده و خط‌القدر آن مرز کنونی ایران و عراق را تشکیل می‌دهد. رودخانه گاوی نیز به مانند گنجان چم از ارتفاعات کبیرکوه سرچشمه گرفته و از شرق وارد دشت شده و پس از طی طول شرقی-غربی دشت، در غرب به رودخانه گنجان چم ملحق شده و سپس این دو به خاک کشور عراق می‌ریزند. دیگر رودخانه دائمی دشت، چنگوله است که به مانند رودخانه‌های گاوی و گنجان چم، از ارتفاعات کبیرکوه در شمال‌غربی خود سرچشمه گرفته و در منتهی‌الیه شرقی دشت به کشور عراق می‌ریزد. این رودخانه به دلیل خواص زمین‌ریختی خاص، دارای بستری است که در آن زمینه رسوب‌گذاری وجود نداشته و به کشور عراق می‌ریزد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۱۳۸۵: ۹-۱۵۸). بر اساس ویژگی‌های ریخت‌شناسی و نیز کاربری اراضی، دشت مهران به ۳ بخش قابل تقسیم است: «الف» (A)، «ب» (B)، «ج» (C). منطقه «الف» یا A که دارای کمترین ارتفاع از سطح آب‌های آزاد است در قسمت غربی دشت واقع شده و منطقه آبرفتی ناشی از رسوب‌گذاری رودخانه‌های گاوی و گنجان چم است (نقشه شماره ۱). ارتفاع این بخش از دشت بین ۱۰۰ تا ۱۸۰ متر از سطح آب‌های آزاد متغیر است و بیشترین تعداد محوطه‌های پیش از تاریخ در این بخش از دشت واقع شده است. همان‌گونه که از رسوبی بودن این بخش برمی‌آید، مناسب‌ترین بخش برای کشاورزی است چنان‌که امروزه نیز برای اهداف کشاورزی مورد استفاده بوده و توسط کشاورزان استفاده می‌شود. دیگر بخش، بخش «ب» است که بین بخش‌هایی «الف» در غرب و «ج» در شرق و در ارتفاع تقریبی ۱۸۰ تا ۲۵۰ متر از سطح آب‌های آزاد قرار دارد. این بخش همان‌گونه که از موقعیتش برمی‌آید منطقه‌ای بینابینی است که هم برای کشاورزی و هم برای چرای دام مناسب است. به دلیل غنی نبودن رسوبات همانند بخش «الف»، از لحاظ کشاورزی بازدهی کمتری دارد و امروزه مناطق با قابلیت مرتع آن به تدریج به کشاورزی تغییر کاربری یافته است. همانند بخش «الف»، این بخش نیز از رسوبات رودخانه‌های گاوی و گنجان چم تشکیل شده است با این تفاوت که ضخامت و دانه‌بندی رسوبات متفاوت است که خود سیمایی متفاوت با قابلیت متفاوت را پدید آورده است. دیگر حوزه، حوزه «ج» است که در شرقی‌ترین بخش دشت با ارتفاع متغیر ۲۵۰ تا ۴۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد واقع شده است. بخش اعظم این حوزه متشکل از رسوبات درشت‌دانه رودخانه‌های گاوی، گنجان چم و چنگوله در کنار شسته‌شدگی ارتفاعات پیرامون است که به همین دلیل سیمایی متفاوت با سایر حوزه‌های ذکر شده دارد. نیز در این بخش است که برونزد سازند کنگلومرای بختیاری که حاوی منابع سرشار سنگ‌های چرت و چخماق است زمینه مناسبی را برای جذب گروه‌های انسانی در دوران پارینه‌سنگی فراهم آورده است. این بخش از دشت، تنها دارای علفزارهای مناسب برای جوامع عشایری است که در اواخر زمستان و اوایل بهار از مناطق دور و نزدیک به منطقه می‌آیند (همان: ۱۳۸۵: ۹-۱۵۸).

پیشینه مطالعات باستان‌شناسی دشت مهران

اولین باستان‌شناسی که به اهمیت باستان‌شناسی دشت مهران پی‌برده و بازدید به عمل آورد، فرانک هول بود (هول، گفتگوی شخصی ۱۳۸۹). وی در سال ۱۹۷۳ م، زمانی که کاوش در لایه‌های دوره انتقالی چغامامی در چغاسفید را انجام داده بود، به طرح فرضیه مهاجرت این مردمان از شرق بین‌النهرین و از طریق دشت مهران پرداخت. در همین راستا و به‌منظور پاسخ به این فرضیه از دشت مهران بازدید کرد، که به دلیل وجود

تجهیزات نظامی و زرهی ناشی از جنگ چندروزه بین ایران و عراق در آن زمان، به ناچار از انجام هرگونه مطالعه‌ای چشم پوشید (Hole 1977:10-21). در همان سال‌ها مرحوم علی محمد خلیلیان به‌منظور تکمیل پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، محوطه‌های پیش‌ازتاریخ دشت مهران را بررسی کرده و برای اولین بار گاهنگاری نسبی آن‌ها را ارائه داد (خلیلیان ۱۳۵۶: ۳۷۶-۳۷۱). به دلیل جنگ تحمیلی و بقایای انفجاری ناشی از آن، که امروزه نیز در جای‌جای دشت قابل‌مشاهده است، هرگونه مطالعه باستان‌شناسی در دشت مهران تا سال ۱۳۷۵ متوقف ماند. در این زمان خلیلیان با هدف از سرگیری این مطالعات، اقدام به بررسی دشت نمود. به دلیل فوت ناگهانی خلیلیان، بررسی‌ها توسط جبرئیل نوکنده ادامه یافت و نهایتاً منجر به شناسایی ۶۲ محوطه باستانی با گستره زمانی از پارینه‌سنگی قدیم تا اسلامی متأخر شد (خلیلیان ۱۳۷۵؛ Nokandeh 2010). در نتیجه این بررسی‌ها، محوطه با اهمیت چغاخلامان (چغاگلان) وارد ادبیات باستان‌شناسی ایران شد (خلیلیان ۱۳۷۸)؛ این محوطه بعدها توسط نوکنده تعیین حریم شد (نوکنده ۱۳۸۱). با توجه به جالب‌توجه بودن نتایج بررسی خلیلیان و نوکنده و اهمیت محوطه‌های شناسایی‌شده، دشت مهران مورد توجه عباس علیزاده نیز قرار گرفت؛ وی تصمیم گرفت که در رأس هیئتی از دانشگاه شیکاگو، پروژه‌ای بلندمدت را برای مطالعه فرایند گذار جوامع جنوب‌غرب ایران از دوران پارینه‌سنگی به آغاز شهرنشینی تعریف نماید. بدین‌منظور، طرحی پژوهشی را به سازمان میراث فرهنگی وقت ارائه نموده و خواستار انجام مطالعات باستان‌شناسی دشت مهران شد (علیزاده ۱۳۸۰: ۲۳۰-۲۱۷؛ Alizadeh 2003). بعدها به دلایلی مانند آلوده بودن منطقه به بقایای انفجاری ناشی از دوران جنگ تحمیلی، این پروژه نیز ناکام ماند تا دیگر بار تلاش برای تبیین نقش دشت مهران در باستان‌شناسی خاورمیانه بدون نتیجه بماند. در همین سال‌ها و در قالب یک بررسی نجات‌بخشی، محسن زیدی منطقه شرقی و حائل بین دشت‌های مهران و دهلران را بررسی کرد و تعدادی محوطه از دوره آغاز نگارش تا دوران تاریخی گزارش نمود (زیدی ۱۳۸۲). از دیگر مطالعات انجام‌شده در دشت مهران، مطالعه مقدماتی و فرایند نوسنگی شدن دشت است که حجت دارابی در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد به آن پرداخته است؛ وی با ارزیابی متغیرهای آب‌وهوایی و زیست - محیطی به بررسی دشت مهران و قابلیت‌های آن برای شکل‌گیری محوطه‌های آغاز نوسنگی پرداخت (دارابی ۱۳۸۷؛ Darabi & Fazeli 2009). بالاخره، در سال ۱۳۸۹ و از طرف دانشگاه توپینگن آلمان، هیئتی به سرپرستی محسن زیدی کاوش به‌منظور لایه‌نگاری چغاگلان را آغاز نمود. این کاوش در دو فصل ادامه یافت که تاریخ‌گذاری نمونه‌های کربن ۱۴ حکایت از زیستگاهی طولانی از حدود اواسط هزاره دهم تا اواخر هزاره هشتم پیش از میلاد در این محوطه دارد (Zeidi et.al, In Press)؛ بررسی و مطالعه این محوطه با هدف انجام پایان‌نامه دکتری محسن زیدی ادامه دارد.

پروژه باستان‌شناسی دشت مهران (APMP)

هدف از شروع و انجام این پروژه ارزیابی پتانسیل پیش‌ازتاریخی دشت برای طراحی و انجام دیگر مراحل پروژه اعم از بررسی بیشتر، لایه‌نگاری و کاوش گسترده در محوطه‌های پیش از تاریخ بوده است. شوربختانه، به دلیل گسترش روزافزون کشاورزی پیشرفته و در پی آن خطر تسطیح محوطه‌های باستانی، ضرورت بررسی و مطالعه و ثبت سریع این محوطه‌ها امری انکارناپذیر است. با وجود مطالعات انجام‌شده‌ای که در بالا آمد، هنوز احساس می‌شد که پتانسیل باستان‌شناسی دشت بیشتر از آن چیزی است که شناسایی و مطالعه شده است؛ لذا

تصمیم گرفته شد که دیگر بار و به صورت کاملاً روشمند و فشرده دشت مهران بررسی شده و بقایای پیش از تاریخی آن مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد، به طوری که بتوان با قطعیت هرچه بیشتری راجع به داشته‌های پیش از تاریخ اظهار نظر کرده و زمینه را برای مطالعه جامع جوامع پیش از تاریخ این دشت فراهم نمود. به همین منظور در فروردین ۱۳۸۹ دارابی و جوانمردزاده اقدام به بررسی خود دشت نمودند و همان طوری که انتظار می‌رفت نتایج قابل توجهی به دست آمد. طی این بررسی، در مجموع تعداد ۳۶ محوطه منسوب به دوران پارینه‌سنگی قدیم تا آغاز نگارش شناسایی شد که از این تعداد ۲۲ محوطه منسوب به دوران پارینه‌سنگی است که در جایی دیگر مطالعه و معرفی شده است (دارابی و دیگران ۱۳۹۱؛ Darabi et al 2012). تعداد ۱۵ محوطه از محوطه‌های شناسایی شده نیز منسوب به دوران نوسنگی تا آغاز نگارش است (جدول شماره ۱ و ۲؛ نقشه شماره ۱)؛ شایان ذکر است که بر سطح یکی از محوطه‌های شناسایی شده (رم ۱ MS 023) تعدادی ادوات پارینه‌سنگی نیز شناسایی شد که بدین منظور این محوطه هم در آثار پارینه‌سنگی و هم پیش از تاریخ مطالعه و معرفی شده است. شایان ذکر است که به دلیل محدودیت‌هایی از قبیل نبود بودجه، وجود مزارع کشاورزی و نیز آلوده بودن بخش‌هایی از دشت به بقایای انفجاری ناشی از دوران جنگ تحمیلی، امکان بررسی همه دشت وجود نداشت؛ لذا امید است در اولین فرصت این بررسی تکمیل شود که در این صورت می‌توان با قطعیت در مورد آثار پیش از تاریخ قابل‌رؤیت در دشت مهران اظهار نظر کرد.

در پی این بررسی، در پاییز ۱۳۸۹ و در ادامه پروژه، محوطه چغاآهوان که طی بررسی به‌عنوان یکی از محوطه‌های کلیدی برای شناخت نوسانات زیستگاهی و ارائه جدول گاهنگاری بر اساس داده‌های مطلق، تشخیص داده شده بود، لایه‌نگاری و تعیین حریم شد. طی این کاوش، لایه‌های فرهنگی مرتبط با اواخر هزاره ششم تا اوایل هزاره سوم پیش از میلاد در ۲ ترانسه مجزا و ۱۹ متر نهشته فرهنگی شناسایی و ثبت گردید. از این کاوش یافته‌های منحصر به فردی به دست آمده است که دال بر اهمیت دشت مهران در برهم‌کنش با مناطق همجوار در دوره‌های ذکر شده است؛ نتایج این کاوش نیز در یازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی کشور ارائه شده و به زودی چاپ خواهد شد.

روش و اهداف بررسی

به دلیل جامع و فراگیر نبودن بررسی‌های پیشین در دشت مهران، تصمیم گرفته شد که بار دیگر همه دشت بررسی شده و داشته‌های پیش از تاریخی آن شناسایی و ثبت شوند. بدین منظور با استفاده از توانایی‌های بررسی فشرده، همه دشت مورد بازدید و بررسی قرار گرفت. طی بررسی از نقشه‌های توپوگرافی به منظور ارزیابی نقش عوارض طبیعی در روند شکل‌گیری و تداوم زیستگاه، همچنین بررسی همزمان با دقت بیشتر در بخش‌هایی با پتانسیل بیشتر استفاده شده است. در کنار نقشه‌های توپوگرافی، از تصاویر گوگل ارث (Google Earth) هم بهره برده شده است. بدین صورت که موقعیت مناطقی را که احتمالاً می‌توانست محوطه باشد بر روی این نرم‌افزار مشخص کرده و پس از وارد کردن مختصات آن به دستگاه GPS بر روی زمین ردیابی و ارزیابی می‌شد. علاوه بر استفاده از نقشه و تصاویر ماهواره‌ای امروزی، از تصاویر قدیمی دشت مهران که در سال ۱۹۶۹ تصویربرداری شده است و توسط دانشگاه آرکانزاس (Arkansas) با نام تصاویر ماهواره‌ای کُرنا (Corona Satellite Imagery) ارائه شده، نیز بهره برده شده است. مزیت این تصاویر این است که به راحتی

می‌توان ریخت‌شناسی دشت قبل از صنعتی و مکانیزه‌شدن کشاورزی و در پی آن تسطیح اراضی، را بررسی کرد. به‌منظور ثبت محوطه‌ها از سرواژه‌های مهران (M) و بررسی (S) در کنار شماره محوطه که از 001 شروع می‌شود، استفاده شده است. از مزیت این سرواژه و کد این است که از سوئی با کد محوطه‌های شناسایی‌شده طی بررسی‌های پیشین دشت هماهنگی داشته و از دیگر سو، به‌عنوان بخشی از سوزیانی بزرگ، این کدها هماهنگی نسبی را نشان می‌دهند.

به دلیل اینکه سفال مهم‌ترین یافته‌ای است که بر اساس آن می‌توان در مورد دوره‌های مختلف بحث کرد و گاهنگاری محوطه‌های شناسایی‌شده را ارائه داد، لذا این یافته به‌عنوان اساس تاریخ‌گذاری نسبی محوطه‌ها قرار گرفته است. بدین‌منظور سفال‌های جمع‌آوری‌شده طی بررسی با مناطق همجوار (شوشان، دهلران و بین‌النهرین) مقایسه و تاریخ‌گذاری شده است. در پایان و پس از مقایسه سفال‌ها با مناطق ذکر شده، چارچوب زمانی زیستگاه در محوطه‌ها مشخص شده و کمیت زیستگاه در هر دوره و کیفیت آن نیز تا حدودی بحث شده است. شایان ذکر است که در محوطه‌های با زیستگاه اولیه (مانند بی‌سفال، آغاز روستانشینی) به سایر متغیرها از جمله ابزارهای سنگی و پراکندگی آن‌ها نیز توجه شده است.

زیستگاه‌های پیش از تاریخی

پیش از معرفی زیستگاه‌های شناسایی‌شده طی بررسی ۱۳۸۹، لازم است در مورد واژه‌شناسی چارچوب گاهنگاری مورد استفاده در نوشتار کنونی، توضیحی کوتاه داده شود؛ به دلیل گویانبودن و اجباری بودن مفهوم واژه مس - سنگی، که با واقعیت توسعه زیستگاهی و تطور جوامع پیش از تاریخی جنوب غرب ایران به‌طور اعم و دشت مهران به‌طور اخص سازگار نیست، ترجیح داده شد که از واژگانی استفاده شود که با مفهوم مورد نظر ما که همان مطالعه فرایند گذار جوامع از غارنشینی به روستانشینی و سپس شهرنشینی است، سازگاری داشته باشد. بدین‌منظور و پس از مطالعه یافته‌های جمع‌آوری‌شده طی بررسی، تصمیم گرفته شد که از واژه مورد استفاده فرانک هول برای ادوار پیش از تاریخ غرب و جنوب غرب ایران، که واژگانی به‌مراتب گویاتر از واژگان تکنولوژیک هستند، استفاده شود. وی در کتاب "باستان‌شناسی غرب ایران" به‌خوبی مزیت‌های این واژگان را که دارای سازگاری بیشتری با روندهای پیش از تاریخی منطقه می‌باشد، توضیح داده است (هول ۱۳۸۱؛ Hole 1987: 29-33). لذا در این مقاله از چارچوب گاهنگاری "روستانشینی" که خود به دوران آغازین تا جدید تقسیم می‌شود استفاده شده است؛ به این دلیل که شاید این واژگان برای مخاطب خیلی آشنا نباشند، دیگر واژگان رایج گاهنگاری هم‌زمان نیز آمده است.

دوره نوسنگی بی‌سفال

قدیمی‌ترین زیستگاه‌های مربوط به دوره یکجانشینی دشت مهران از این دوره فرهنگی آغاز می‌شوند؛ به نظر می‌رسد محوطه رم رمه ۱ را بتوان به این دوره منتسب نمود؛ که البته یک زیستگاه، بر سطح دشت (رم رمه ۱ - Rem Remah 1, MS 023)، یکی در کرویدور طبیعی بین دشت‌های مهران و دهلران (فسیل Fasil) و دیگری نیز در منطقه میانی بین دشت‌های مهران و هیجدان دشت (چغا خَلامان یا چغا گَلمان - Choghā Kholāmān, Golan) واقع شده است (نقشه شماره ۲). بر اساس مطالعات انجام‌شده قدیمی‌ترین آثار مربوط به دوره گردآوری و

شکار و آغاز یکجانشینی تا اواخر دوران نوسنگی بی‌سفال را می‌توان در محوطه چغاگلان به صورت یکجا مطالعه کرد (دارابی ۱۳۸۷). طی سال‌های اخیر، هیئتی از دانشگاه توپینگن آلمان و به سرپرستی محسن زیدی کاوش‌هایی را به منظور برآورد توالی زیستگاه و انجام مطالعات آزمایشگاهی اولیه در دو فصل به انجام رسانده است. بر این اساس، آغاز زیستگاه در محوطه از اوایل هزارهٔ دهم پیش از میلاد بوده و با توجه به گونه‌شناسی ابزارها و حجم نهشته‌ها، به نظر می‌رسد که تا اواخر هزارهٔ هشتم پیش از میلاد تداوم داشته باشد (زیدی، گفتگوی خصوصی ۱۳۹۱؛ Zeidi et al, In Press). محوطهٔ بعدی که دارای آثار دوران نوسنگی بی‌سفال است، محوطهٔ فسیل (Fasil) است که در عین نداشتن هیچ‌گونه نهشته فرهنگی، یافته‌های شاخص این دوره را به وضوح دارا بوده و از تراکم قابل‌قبولی برخوردار است؛ بر این اساس به نظر می‌رسد که بتوان این محوطه را به جوامع سیار نسبت داد. بر اساس مقایسه و گونه‌شناسی ابزارهای سنگی، تاریخ زیستگاه در محوطه را می‌توان به اواخر این دوره نسبت داد؛ به‌ویژه اینکه ابزارهای جمع‌آوری‌شده شباهت کاملی را با فاز علی‌کش از محوطه‌های علی‌کش و چغاسفید نشان می‌دهد (دارابی ۱۳۸۸؛ Fazeli & Darabi 2009).

دیگر محوطهٔ منتسب به دورهٔ نوسنگی بی‌سفال، رم رَمه ۱ است که برای اولین بار و طی بررسی سال ۱۳۸۹ شناسایی و ثبت شد. آثار سطحی منسوب به این دوره بر سطحی به وسعت بیش از یک هکتار از محوطه پراکنده و به‌وضوح قابل‌رؤیت است؛ هرچند به نظر می‌رسد محوطه در دوره‌های بعدی بسیار گسترده‌تر شده است. به دلیل مدفون شدن محوطه در زیر رسوبات ناشی از مسیل‌های اطراف، برآورد میزان نهشته‌های فرهنگی محوطه غیرممکن است، نیز به‌واسطهٔ استفاده از محوطه به‌عنوان زمین کشاورزی و تسطیح آن، امروزه کمتر از یک متر از سطح زمین‌های اطراف ارتفاع دارد، درحالی‌که در نمای جانبی آبکندهای کناری، می‌توان لایه‌های فرهنگی را تا عمق حدود ۲ متر از سطح مشاهده کرد. مهم‌ترین ویژگی این بخش از محوطه پراکنده‌گی مصنوعات تراشه سنگی با تراکم بالاست که بر اساس گونه‌شناسی و مقایسه، قابل انتساب به دورهٔ نوسنگی بی‌سفال می‌باشد. مصنوعات سنگی عمدتاً مشتمل بر تیغه‌ها، ریز تیغه‌های تولیدشده از سنگ‌مادرهای فشنگی‌شکل است؛ چنین صنایعی از مشخصات اصلی نوسنگی بی‌سفال به‌شمار می‌رود (Hole 1994:107)، هرچند در دورهٔ باسفال هم تداوم یافته است. اهمیت این محوطه به این دلیل است که تاکنون تنها محوطهٔ شناسایی‌شده خود دشت است که توالی احتمالی دوران نوسنگی بی‌سفال را به دوران باسفال (در اینجا آغاز روستانشینی) نشان می‌دهد. براساس مطالعات انجام شده، یافته‌های سطحی محوطه را می‌توان به فاز علی‌کش و محمدجعفر از تپه علی‌کش و چغاسفید منسوب کرد. طی بازدیدی که فرانک هول از محوطه و یافته‌های سطحی آن داشته، این محوطه را به دورهٔ نوسنگی نسبت داده است (فرانک هول، گفتگوی شخصی ۱۳۹۰). با این وجود، قطعیت نهشته‌های دورهٔ بی‌سفال منوط به انجام کاوش خواهد بود و در این صورت می‌تواند به‌عنوان پلی بین زیستگاه قدیمی‌تر چغاگلان در شمال دشت و زیستگاه‌های بعدی خود دشت مهران در نظر گرفته شود.

دورهٔ روستانشینی آغازین

این دورهٔ فرهنگی در چارچوب گاهنگاری پیشنهادی فرانک هول بازهٔ زمانی بین ۶۳۰۰ تا ۵۴۰۰ پیش از میلاد است که دوران نوسنگی باسفال تا اوایل مس - سنگی قدیم را دربر می‌گیرد (Hole 1987:29-33, 57). از این دوره تعداد ۲ محوطه از دشت شناسایی و ثبت شده است که یک محوطه از بررسی‌های پیشین و دیگری از

نویافته‌های بررسی اخیر است (نقشه شماره ۳). بر اساس مطالعه سفال‌های سطحی، محوطه‌های جن جان قلی (Jen Jan Qoli MS 030) و رم رمه ۱ را می‌توان به این دوره نسبت داد. محوطه رم رمه ۱ دارای سفال‌های فازهای مختلف دوره نوسنگی باسفال است که می‌توان تاریخ نیمه هزاره هفتم تا اواسط هزاره ششم پیش از میلاد را برای آن در نظر گرفت. این محوطه همچنین دارای یافته‌های مربوط به اواخر هزاره هفتم پیش از میلاد است؛ به طوری که می‌توان آنها را به اوایل دوره نوسنگی باسفال منسوب کرد. سفال‌های سطحی محوطه، سفال‌هایی پوک با ماده چسباننده گیاهی و به شدت ترد و شکننده هستند؛ سطح بیرونی و داخلی این سفال‌ها دارای پوشش گلی غلیظ و براق شده است. بر اساس مشاهده نمای جانبی، این سفال‌ها از پخت کافی برخوردار می‌باشند و دارای کف تخت و مقعر و بدنه زاویه‌دار می‌باشند (تصویر شماره ۱؛ جدول شماره ۳؛ Alizadeh 2003: Pl.21-3).

جن جان قلی محوطه‌ای کوچک با مساحت حدود ۱ هکتار است که در جنوبی‌ترین بخش مرکز دشت و در کنار مسیل بدوله واقع شده است؛ این محوطه همانند محوطه رم رمه ۱ در زمین مستعد کشاورزی و با سطح آب‌های زیرزمینی نزدیک به سطح دشت واقع شده است. از این محوطه سفال‌هایی با ویژگی‌های سفال‌های به دست آمده از رم رمه ۱ و به تعداد کمتری گردآوری شده است. برآورد کیفیت و کمیت زیستگاه دوره روستانشینی آغازین این محوطه هم به دلیل رسوب‌گذاری شدید با مشکل مواجه است، اما یافته‌های سطحی می‌توانند معرف این فاز فرهنگی باشند که این موضوع را تنها با گمانه‌زنی می‌توان معلوم کرد.

دوره روستانشینی قدیم

با توجه به گاهنگاری پیشنهادی هول برای پیش از تاریخ منطقه، این دوره را می‌توان در بازه زمانی ۴۸۰۰-۵۴۰۰ پیش از میلاد، یعنی دوره مس‌وسنگ قدیم، قرار داد که تعداد ۵ محوطه شناسایی و ثبت شده، منسوب به این دوره است. محوطه‌ها عبارتند از: تپه خلّامی (Tappeh KHolāmi, MS 021)، رم رمه ۱ (Rem Remah 1, MS 023)، چُغَا‌هوان (Choghā Ahowān, MS 027)، چُغَا‌بویچگ (Choghā Boicheg, MS 029) یا تپه کوچک و تپه جن جان قلی (Jen Jan Qoli MS 030) که همگی در نیمه غربی دشت که بستری مناسب برای کشاورزی را دارد، واقع شده‌اند (نقشه شماره ۴). همان‌طور که از نام و تعداد محوطه‌ها برمی‌آید، تنها محوطه‌ای که زیستگاه در آن تداوم یافته است، رم رمه ۱ است و دیگر محوطه‌ها برای اولین بار شکل گرفته‌اند. نسبت به تعداد ۲ محوطه‌ای که در دوره آغازین معرفی شدند، رشد اندازه و تعداد محوطه‌ها در این دوره قابل توجه است که این رشد در دوره بعدی، یعنی دوره روستانشینی میانه هم ادامه دارد و علاوه بر تداوم زیستگاه در بیشتر محوطه‌های دوره روستانشینی قدیم تعدادی زیستگاه برای اولین بار به وجود آمده است.

سفال‌های سطحی محوطه‌های تپه خلّامی، جن جان قلی و رم رمه ۱ شباهت کاملی را با فاز سوزیانای عتیق ۲ و ۳ از چغابنوت، که بازه زمانی ۵۲۰۰ - ۵۷۰۰ پیش از میلاد را دربر می‌گیرد، نشان می‌دهند. نمونه‌های سطحی محوطه جن جان قلی نیز با وجود اندک بودن قابل قیاس با نمونه‌های فاز سوزیانای عتیق ۳ از دشت شوشان و فاز انتقالی چغامامی (CMT) از دشت‌های دهلران و مندلی می‌باشند (Delougaz and Kantor 1996: Pl. 221-3; Hole 1977: Pl. 40, 43-4; Oates 1968, 1976: 62-68).

تپه خلّامی محوطه‌ای باز واقع بر برون‌زدهای کنگلومرای شمال دشت است که تنها سفال‌های سطحی بر سطح آن قابل مشاهده است. به دلیل تخریب‌های ناشی از دوره جنگ تحمیلی یافته‌های این محوطه پراکنده و

مضطرب شده است. با توجه به سطحی بودن یافته‌ها و نبود لایه‌های فرهنگی در محوطه، به نظر می‌رسد که محوطه‌ای فصلی و مربوط به جوامع سیار بوده است. جن‌جان قلی نیز محوطه‌ای است با مساحت کمتر از یک هکتار که بر کرانه جنوبی مسیل بدوله و ۱ کیلومتری جنوب شهر مهران واقع شده است. به دلیل کشاورزی بودن زمین‌های اطراف، به مرور زمان از مساحت محوطه کم شده است. این نکته را با نگاهی به تصاویر ماهواره‌های معرفی شده در سایت گونا به سادگی می‌توان دریافت. ارتفاع محوطه از زمین‌های اطراف حدود ۲ متر و مساحت امروزی‌اش حدود نیم‌هکتار است. اما با توجه به اینکه این بخش از دشت دارای ارتفاع کمی است و به رود گاوی نزدیک است، به طوری که حتی امروزه نیز در معرض طغیان‌های فصلی گاوی قرار دارد، می‌توان تصور نمود که بخش اعظم این محوطه که حاوی یافته‌های دوره روستانشینی است در زیر رسوبات مدفون شده است. از این محوطه، به دلیل نمونه‌برداری طی بررسی‌های گذشته، یافته‌های سطحی کمی به دست آمد؛ اما نتایج بررسی پیشین وجود یافته‌های مرتبط با دوره روستانشینی قدیم تا میانه در این محوطه را تأیید می‌کند (Nokandeh 2010). به هر روی، مهم‌ترین محوطه‌ای که می‌تواند معرف یافته‌های مرتبط با دوره روستانشینی قدیم باشد، محوطه رم‌مه ۱ است، همانند دوره پیش، در این دوره نیز همچنان کلیدی‌ترین محوطه برای مطالعه پیش‌از تاریخ دشت است. پراکندگی یافته‌های سطحی مرتبط با این دوره حاکی از گسترش قابل توجه محوطه در این دوره است. با توجه به این که امروزه کاربری محوطه، کشاورزی است، تخمین مساحت محوطه در دوره مورد بحث بر اساس یافته‌های سطحی غیرممکن می‌نماید. اما کمیت و کیفیت یافته‌ها حاکی از گسترش زیاد محوطه در اواخر هزاره ششم تا اواسط هزاره پنجم پ.م است.

در مجموع سفال‌های این دوره فرهنگی را در عین شباهت‌هایی با فاز همزمان از بین‌النهرین، می‌توان با فازهای همزمان از دهلران و شوشان مقایسه کرد. این سفال‌ها عمدتاً به رنگ نخودی مایل به سبز با ماده چسباننده ماسه بادی و دانه‌های ماسه بادی که از سطح دیده می‌شود، هستند. نقوش عمدتاً باندهای پهن و متوسط با نقطه‌های بزرگ هستند. از نقطه نظر حرارت نیز دارای پخت کافی و گاهی بالا هستند و دارای خمیره‌ای هستند که به خوبی ورز داده شده است (تصویر شماره ۲؛ جدول شماره ۴).

دوره روستانشینی میانه

فرانک هول این دوره فرهنگی را بین ۴۲۰۰ - ۴۸۰۰ پیش از میلاد و معادل فاز قدیم و میانی مس - سنگی میانه پیشنهاد داده است. در این دوره همانند سایر مناطق غرب و جنوب غربی ایران، شاهد افزایش تعداد و اندازه محوطه‌ها هستیم به طوری که از بین محوطه‌های شناسایی شده، بیشترین تعداد و بزرگ‌ترین محوطه‌های دوره روستانشینی را می‌توان به محوطه‌های با مواد فرهنگی این دوره نسبت داد (نقشه شماره ۶). تعداد محوطه‌های معرف این دوره ۸ تپه است که عبارتند از: تپه رضآباد (Reza Abad, MS 019)، تپه خلّامی (Choghā KHolāmi MS 021)، رم‌مه ۱ (Rem Remah 1, MS 023)، رم‌مه ۳ (Rem Remah 3, MS 025)، چغاآهوان، چغا بویچگ، جن‌جان قلی و گاوی (Gāvi, MS 033).

از محوطه‌های منسوب به این دوره، محوطه رم‌مه ۱ با بیش از ۱۰ هکتار وسعت بزرگ‌ترین محوطه است، این محوطه از دوره نوسنگی بی‌سفال بدون هیچ گسستی توالی زیستگاه را داراست و یافته‌های سطحی محوطه حاکی از اهمیت ویژه محوطه است. بدین معنی که برای اولین بار محوطه‌های بزرگ با تعداد زیادی

پاشنه در بزرگ، میخ‌های سفالی و پیکرک در دشت تأسیس می‌شود که نشان از وجود مرکز احتمالاً(?) اداری در دشت مهران دارد و یافته‌های به‌دست‌آمده از مناطق مجاور وجود مراکز اداری در این دوره را تأیید می‌کند (تصویر شماره ۳). محوطه دیگر، محوطه چغاآهوان با مساحت متوسط حدود ۵ هکتار نیز از محوطه‌های این دوره است که با آغاز این دوره و در حاشیه شمالی دشت به‌وجود می‌آید. در این محوطه هم نشانه‌هایی از شواهد موجود بر سطح محوطه رِم‌رِمه ۱ مشاهده می‌شود اما به دلیل گسترش محوطه در دوره‌های بعد و پوشانده شدن مواد توسط نهشته‌های فرهنگی، امکان برآورد زیستگاه و کاربری آن به‌آسانی میسر نیست. محوطه چغاآهوان از دیگر محوطه‌های این دوره است که در نیمه غربی دشت و بر حاشیه جنوبی رود گاوی و با مساحت حدود ۵ هکتار در این دوره تأسیس می‌شود؛ هرچند به دلیل رسوب‌گذاری شدید، این بخش از دشت توسط رودخانه گاوی از سویی و پوشاندن لایه‌های زیرین به‌وسیله لایه‌های جدیدتر در اثر گسترش افقی محوطه در کنار فرسایش انسانی و طبیعی آن از دیگر سو، مدفون شده است؛ به‌طوری‌که نمی‌توان هیچ یافته‌ای که بتوان دوره‌ای قدیمی‌تر از روستانشینی میانه را در آن اثبات کرد، به‌دست آورد. محوطه جن‌جان قلی نیز در جنوب دشت به نظر می‌رسد با همان اندازه دوره قبل دارای تداوم زیستگاه است. این محوطه هم مانند چغاآهوان توسط رسوبات رود گاوی مدفون شده است و به نظر می‌رسد که بخش اعظم محوطه مدفون شده باشد و تنها بخشی از نهشته‌های مربوط به اواخر زیستگاه در محوطه، که روستانشینی میانه است، در کنار آثار دوره اسلامی بالاتر از سطح کنونی دشت قرار دارند. با توجه به شواهد سطحی این محوطه در دوره اسلامی به‌عنوان یک گورستان کاربری داشته است.

از بین محوطه‌های با مواد مربوط به این دوره، به نظر می‌رسد که بتوان محوطه‌های گاوی و تپه خلّامی را زیستگاه‌هایی تک‌دوره‌ای و منسوب به جوامع سیار دانست. تپه خلّامی به مانند دوره پیش تنها دارای آثاری سطحی از این دوره است و محوطه گاوی هم محوطه‌ای است که در مرکز دشت و بر حاشیه جنوبی رود گاوی تأسیس شده است، به دلیل فرسایش از بین رفته و تنها شواهد سطحی آن در گستره‌ای کمتر از ۵۰۰ متر پراکنده شده است. با توجه به فرسایش زیاد و مضطرب‌شدن یافته‌های سطحی، به‌راحتی نمی‌توان راجع به میزان نهشته‌های فرهنگی محوطه اظهار نظر کرد.

سفال‌های روستانشینی میانه را می‌توان با فازهای مشابه از دشت دهلران به‌خوبی مقایسه کرد، به‌مخصوص اینکه گرامر نقوش شباهت کاملی را با سفال‌های این دشت نشان می‌دهد. این سفال‌ها در طیفی از رنگ‌های نخودی روشن تا مایل به سبز با نقوش سیاه‌رنگ، ماده چسباننده ماسه بادی و خمیره‌ای ورز داده شده، دیده می‌شوند؛ به علاوه، سفال‌هایی با رنگ قرمز، خمیره خشن با خلل و فرج زیاد و ماده چسباننده گیاهی یا شن ریز نیز دیده می‌شوند؛ نقوش این سفال‌ها هندسی و در مواردی پرکار است (تصویر شماره ۳؛ جدول شماره ۵).

دوره روستانشینی جدید

یکی از دوره‌های مهم در باستان‌شناسی پیش‌ازتاریخ جنوب غربی ایران که هنوز زوایای تاریک آن مبهم‌تر از دوره‌های پیش و پس از خود است، دوره روستانشینی جدید است. فرانک هول این دوره را بین حدود ۳۸۰۰ - ۴۲۰۰ پ.م می‌داند که در ارتباط با سایر مناطق ایران به صورت یک افق با کمی پیشینه یا پسینه زمانی قابل تعریف است. طی این دوره فرهنگی است که زیستگاه‌های پیش‌ازتاریخی دشت با کاهش قابل‌ملاحظه‌ای روبرو

می‌شوند. بدین ترتیب که از تعداد ۸ محوطه دوره قبل، زیستگاه در ۲ محوطه ادامه یافته و یک محوطه جدید نیز بر منتهی‌الیه شمالی دشت و بر ساحل جنوبی رود کُنجان چَم ایجاد می‌شود (نقشه شماره ۷). به دلیل کم بودن مواد فرهنگی جمع‌آوری شده منسوب به این دوره، اظهار نظر در مورد اندازه محوطه‌ها به آسانی ممکن نیست. با توجه یافته‌های بررسی و نیز لایه‌نگاری، به نظر می‌رسد که کلیدی‌ترین محوطه برای این دوره، محوطه چغاآهوان است. در اینجا، تعدادی سفال از بررسی سطحی و در ۲ عدد مهر استامپی از کاوش لایه‌نگاری به دست آمده است که بر اساس نقش و سبک آن مربوط به اواخر هزاره پنجم پ.م یا اوایل روستانشینی جدید است. پیتمن معتقد است که این مهرها بی‌تردید تنها در بافت مسکونی می‌توانسته‌اند استفاده شوند (Pittman 2012, Pers.Comm). چغاآهوان زیستگاهی از اوایل روستانشینی قدیم است که اندازه نهشته‌های دوران روستانشینی قدیم تا اوایل جدید آن بیش از ۱۰ متر است و بر اساس کاوش انجام‌شده هیچ نوع گسست فرهنگی طی این دوران رخ نداده است.

از دیگر محوطه‌هایی که می‌توان آثار و مدارک دوره روستانشینی جدید را در آن‌ها بررسی کرد، چغا بویچگ است. چغا بویچگ هم به‌مانند چغاآهوان از دوره روستانشینی قدیم تأسیس شده و بر اساس سفال‌های سطحی دارای توالی بدون گسست تا دوران شهرنشینی است، با این تفاوت که ارتفاع نهشته‌ها در این محوطه بیش از چغاآهوان و حدود ۱۳ متر است. این محوطه به دلیل واقع شدن در مرکز دشت و به تبع آن منطقه کم‌ارتفاع دشت و قرار گرفتن بر ساحل رودخانه گاوی از یک‌سو، به شدت رسوب‌گذاری شده است؛ از دیگر سو، تخریب‌های ناشی از سنگ‌سازی دوران جنگ تحمیلی و فرسایش طبیعی و انسانی چهره و اندازه محوطه را دگرگون کرده است. اما، با این وجود سفال‌های سطحی مرتبط با دوران روستانشینی جدید در این محوطه به مراتب قوی‌تر از چغاآهوان است. به نظر می‌رسد که با کاوش این محوطه بتوان به اطلاعات مهمی از این گروه مبهم از پیش‌تاریخ جنوب‌غربی ایران، دست یافت.

دیگر محوطه‌هایی که می‌توان یافته‌های مربوط به اوایل هزاره چهارم پ.م یا اواخر روستانشینی جدید را در آن‌ها بررسی و مطالعه کرد، محوطه رضاآباد و رمرمه ۳ است. در رمرمه ۳ شاهد تداوم زیستگاه از دوره پیش‌هستیم که کمیت و کیفیت یافته‌ها حاکی از اهمیت محوطه در این دوره است. در رضاآباد بخشی از دشت که قابلیت کشاورزی پایینی دارد، برای اولین بار مسکونی می‌شود. به دلیل نزدیکی محوطه به مرز ایران و عراق (حدود ۵۰۰ متر) تخریب‌های شدیدی از دوره جنگ تحمیلی بر محوطه وارد آمده است، به طوری که بخش اعظم محوطه به صورت کانال و خاکریز درآمده و همین برآورد گستره واقعی زیستگاه را غیرممکن نموده است. اما در بخش دست‌نخورده محوطه بقایای کوره سفالگری که نشان از تولید سفال در محوطه است و زیر رسوبات رود کُنجان چَم مدفون شده است، از سطح قابل مشاهده است.

سفال‌های این فاز فرهنگی را نیز می‌توان با فازهای مشابه از دشت دهلران به خوبی مقایسه کرد، به ویژه اینکه گرامر نقوش شباهت کاملی را با سفال‌های این دشت نشان می‌دهد. این سفال‌ها در طیفی از رنگ‌های نخودی روشن تا مایل به سبز با نقوش سیاه‌رنگ، ماده چسباننده ماسه بادی و خمیرهای ورز داده شده، دیده می‌شوند؛ به علاوه، سفال‌هایی با رنگ قرمز، خمیره خشن با خلل و فرج زیاد و ماده چسباننده گیاهی یا شن ریز نیز دیده می‌شوند؛ نقوش این سفال‌ها هندسی و متشکل از یک نقش مایه ساده محصورشده با ۲ یا ۳ باند پهن و در مواردی پرکار است (تصویر شماره ۴؛ جدول شماره ۵).

نتیجه

بررسی باستان‌شناسی محوطه‌های پیش‌ازتاریخ دشت مهران به‌گونه‌ای بسیار چشمگیر، دانش ما را در مورد داشته‌های پیش‌ازتاریخ دشت افزایش داده است؛ با نگاهی به جدول آماری محوطه‌شناسایی شده مشخص می‌شود که بیش از ۲ برابر تعداد محوطه‌های شناسایی‌شده بررسی‌های پیشین، طی این بررسی شناسایی و ثبت شده است. این مهم نه‌فقط از لحاظ تعداد محوطه‌ها، که از لحاظ ادوار شناسایی‌شده نیز حائز اهمیت است؛ بدین‌معنی که برای اولین‌بار است که شواهدی از برخی دوره‌های ناشناخته پیش از تاریخ دشت، شناسایی و معرفی می‌شود. قدیمی‌ترین دوره شناسایی‌شده در دشت مهران، دوره نوسنگی بی‌سفال است که البته فعلاً جزء دوره‌های مبهم به‌شمار می‌رود. به نظر می‌رسد از این دوره برای اولین‌بار محوطه رم ۱ شناسایی و ثبت شده است که می‌تواند در زمینه مطالعه فرایند گذار جوامع پیش‌ازتاریخ دشت از دوره نوسنگی بی‌سفال تا نوسنگی با سفال یا آغاز روستانشینی، بسیار مهم باشد. به همین‌منظور این محوطه جزء محوطه‌هایی است که در اولین فرصت گمانه‌زنی و به صورت دقیق مطالعه خواهد شد تا این بازه از دوران پیش از تاریخ روشن شود.

در نتیجه این بررسی مشخص شد که اولین زیستگاه واقع در دشت تنها یک محوطه است و الگوی زیستگاه، مشابه الگوی زیستگاه در دشت‌های خوزستان و دهلران است. با آغاز دوران روستانشینی به مانند آنچه که از دشت دهلران می‌دانیم، تعداد زیستگاه‌ها به ۲ می‌رسد که برای اولین‌بار و در بخش‌های با قابلیت بالای کشاورزی شکل گرفته و تا دوره‌های بعدی نیز تداوم می‌یابند. با آغاز دوره روستانشینی قدیم و بر اساس الگوهای شناخته‌شده از جنوب غربی ایران شاهد افزایش قابل‌توجه زیستگاه‌ها هستیم؛ ضمن اینکه برای اولین‌بار محوطه‌های نسبتاً بزرگ با شواهد مرتبط با زندگی آیینی و صنعتی ظهور می‌یابد. در این دوره به واسطه آغاز کشاورزی آبیاری، رشد جمعیت آهنگ سریع‌تری می‌یابد که در دوره بعد به اوج خود می‌رسد.

با گذار از روستانشینی قدیم به میانه، تعداد و اندازه زیستگاه‌ها به بیشترین رشد خود طی دوران پیش از تاریخ می‌رسد؛ بدین‌معنی که برای اولین‌بار محوطه‌های با بیش از ۱۰ هکتار وسعت ظهور می‌یابند که الگویی مشابه سایر مناطق جنوب‌غربی ایران است. اندازه وسعت محوطه‌ها در دوره روستانشینی میانه به نظر می‌رسد که نسبت به روستانشینی قدیم تفاوت چندانی نکرده است با این تفاوت که ۳ محوطه جدید تأسیس شده است که افزایش قابل‌توجهی است. اهمیت این افزایش در تعداد از آنجایی است که این افزایش تنها در دوره شهرنشینی تکرار شد و طی دیگر دوره‌ها در مواردی با متروک‌شدن یک محوطه، محوطه‌ای جدید ایجاد شده است. براساس پتانسیل‌های بستر زیستگاهی محوطه‌ها در دوره‌های روستانشینی قدیم و میانه، می‌توان این جوامع را جوامعی با اقتصاد معیشتی کشاورزی در نظر گرفت. داده‌های سطحی محوطه‌ها نیز از این موضوع حمایت می‌کند. با آغاز روستانشینی جدید الگوهای زیستگاهی دشت همانند سایر مناطق خوزستان از کاهش قابل‌ملاحظه برخوردار است که در این رابطه فرضیه‌هایی نیز مطرح شده است. در مورد دشت مهران، که تعداد زیستگاه‌ها از ۸ به ۳ کاهش می‌یابد، با توجه به اینکه هیچ داده‌ای از کاوش‌ها به دست نیامده است، نمی‌توان فعلاً بحث چندانی داشت. بررسی کنونی به دلیل آلودگی‌های ناشی از دوره جنگ نتوانست تکمیل شود؛ لذا بخش‌هایی از غرب دشت که هنوز بررسی نشده است، به محض پاکسازی منطقه از هر نوع آلودگی تکمیل

خواهد شد. تنها در این صورت است که با قطعیت می‌توان در مورد الگوهای زیستگاهی دوران پیش از تاریخ به بحث و نتیجه‌گیری پرداخت.

تشکر و قدردانی

نگارندگان از اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام به دلیل همکاری‌های فراوان و ایجاد زمینه جهت انجام بررسی و آقایان دکتر مقدم و سرداری به دلیل نقطه‌نظرات سازنده‌شان در بهبود این مقاله، سپاسگزاری می‌نمایند.

پی‌نوشت

۱- به دلیل حجم زیاد، در این نوشتار تنها زیستگاه‌های دوران نوسنگی بی‌سفال تا روستانشینی جدید بحث شده است. زیستگاه‌های دوران آغاز شهرنشینی و شهرنشینی در آخرین شماره "نامه باستان‌شناسی" به چاپ رسیده است.

منابع

- خلیلیان، علی محمد ۱۳۷۵. *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایلام، گزارش بررسی و شناسایی دشت مهران*، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- خلیلیان، علی محمد، ۱۳۷۸. "چگاخلامان محوطه‌ای از آغاز نوسنگی در امیرآباد مهران"، در عباس علیزاده، یوسف مجیدزاده و صادق ملک شه‌میرزادی (به کوشش)، *باستان‌شناسی و هنر ایران: ۳۲ مقاله در بزرگداشت عرت الله نگهبان*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، صص. ۳۶-۴۵.
- خلیلیان، علی محمد، ۱۳۵۶. *زیستگاه‌های اولیه در غرب ایران (منطقه زاگرس) از آغاز تا هزاره چهارم قبل از میلاد*، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده).
- دارابی، حجت ۱۳۸۷. *فرایند نوسنگی‌شدن دشت مهران*، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده).
- دارابی، حجت، ۱۳۸۸. "فسیل: محوطه‌ای از دوره نوسنگی در غرب ایران"، *باستان پژوه*، سال دوازدهم، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۸۸، صص. ۹۱-۹۶.
- دارابی، حجت؛ امیر بشکنی؛ مانا جامی الاحمدی و اردشیر جوانمردزاده ۱۳۹۱. "بررسی محوطه‌های پارینه‌سنگی دشت مهران، ایلام"، *پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس*، سال دوم و سوم، شماره چهارم و پنجم، ۹۰-۱۳۸۹، صص. ۳۰-۱۴.
- رهنمایی، محمدتقی ۱۳۷۰. *توان‌های محیطی ایران*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، وزارت مسکن و شهرسازی.
- زمردیان، محمد جعفر ۱۳۸۵. *ژئومورفولوژی ایران*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- زیدی، محسن ۱۳۸۲. *گزارش بررسی باستان‌شناسی دشت مهران (بلوک اناران)*، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۵. *فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، استان ایلام: شهرستان‌های دهلران و مهران*، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- علیزاده، عباس ۱۳۸۲. *تفوری و عمل در باستان‌شناسی (با فصل‌هایی در زیست‌شناسی تحولی و معرفت‌شناسی)*، تهران: انتشارات ورزات فرهنگ و ارشاد اسلامی و میراث فرهنگی کشور.
- مجیدزاده، یوسف ۱۳۶۸. *آغاز شهرنشینی در ایران*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ملک شه‌میرزادی، صادق ۱۳۸۲. *ایران در پیش از تاریخ: از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی*، چاپ دوم (اول ۱۳۷۸)، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.

نوکنده، جبرئیل ۱۳۸۱. گزارش گمانه‌زنی به منظور تعیین حریم چغاگلان شهرستان مهران، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

هول، فرانک ۱۳۸۱ (به کوشش)، باستان‌شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت.

Adams, R. Mc C, 1962. "Agriculture and Urban Life in Early Southwestern Iran", *Science* 136:109-122.

Adams, R. Mc C., H. Nissen., 1972. *The Uruk Countryside: the natural setting of the urban societies*, University of Chicago Press.

Algaze, G., 1993. *Uruk World System*, Chicago University Press.

_____, 2001. "The Prehistory of Imperialism: The case of Uruk Period Mesopotamia", in: *Uruk Mesopotamia and It's Neighbors: cross-cultural interactions in the era of state formation*, M. Rothman(ed.), School of American Research Press, 27-84.

Alizadeh, A, 2001. "Investigation into the origins of domestication and states in Iran", In: *the Oriental Institute 2001-2002 Annual Report*,. Chicago: The Oriental Institut, 7-9.

_____, 2003. *Excavations at the Prehistoric Mound of Chogha Bonut, Khuzestan, Iran: Seasons 1976/77, 1977/78, and 1996*, University of Chicago, Oriental Institute Publications.

Biglari, F., 2004. "The Preliminary Observations on Middle Paleolithic Raw Material Procurement and Usage in the Kermanshah Plain, The Case of Do-Ashkaft Cave", in: *Persiens Antike Pracht: Bergbau, Hudwerk, archeology* (Katalog der Ausstellung des Bochum: Deutsches Bergbau- Museums Bochum von 28 November 2004 bis 29 Mai 2005), T. Stollner, R. Slotta & A. Vatandoust (eds.), Bochum: Deutsches Bergbau Museum, 130-138.

Biglari, F., G. Nokandeh, & S. Heydari, 2000. "Recent Find of a Possible Lower Paleolithic Assemblage from the Foothills of the Zagros Mountains", *Antiquity* 74: 749-750.

Brantingham, P. J., 2003. "A Neutral Model of Stone Raw Material Procurement", *American Antiquity* 68: 487-509.

Breniquet, C., 1996. "Aper u de la ceramique decouverte a Tell el Oueili en 1987 et 1989(Obeid 0, I et 2)", in: *Oueili Travaux de 1987 et 1989*, Jean-Louis Huot(ed), Editions Recherche SIlr les Civilisations, Paris, 163-200.

Calvet, Y. 1991. "Un niveau de la periode Uruk a tell el'Oueili", in: *'Oueili Travaux de 1985*, Jean-Louis Huot(ed.), Editions Recherche SIlr les Civilisations, Paris, 159-210.

Darabi, H, and H. Fazeli 2009. "The Neolithic of the Mehrān Plain: an introduction, *Antiquity* Volume 083 Issue 322 December 2009.

Delougas, P, and H. Kantor 1996. *Chogha Mish*, A. Alizadeh (ed.), Oriental Institute Press, University of Chicago Press, Vol. I.

Dittmann, R. 1984 *Eine Randebene des Zagros in der Frühzeit: Ergebnisse des Behbehan Zuhreh surveys*, Berliner Beitrage zum Vorderen Orient Band 3, D. Reimer, Berlin.

Heydari, S., 2004. "Stone Raw Material Sources in Iran, Some Case Studie", in *Persiens Antike Pracht: Bergbau, Hudwerk, archeology* (Katalog der Ausstellung des Bochum: Deutsches Bergbau-Museums Bochum von 28 November 2004 bis 29 Mai 2005), T. Stollner, R. Slotta & A. Vatandoust (eds.), Bochum: Deutsches Bergbau Museum, 124-129.

_____, 2007. "The Impact of Geology and Geomorphology on Cave and Rock shelter Archaeological Site Formation, Preservation, and Distribution in the Zagros Mountains of Iran", *Geoarchaeology, an International Journal* 22 (6): 653 – 669.

Hole, F, (ed.). 1987. *Archaeology of Western Iran*, Smithsonian Press, USA.

_____, 1980 "Archaeological Surveys in Southwest Asia", *Paléorient* 6: 21-44.

Hole, F., K. V. Flannery and J. A. Neely 1969 (eds.) *Prehistory and Human Ecology of the Deh Luran Plain: An Early Village Sequence from Khuzestan, Iran*. Memoirs of the Museum of Anthropology 1, Ann Arbor: University of Michigan.

_____, 1977. *Studies in the Archaeological History of the Deh Luran Plain: The Excavation of Chogha Sefid*. Memoirs of the Museum of Anthropology 9. Ann Arbor: University of Michigan.

Jasim, S. A., 1985. *Ubaid period in Iraq*, BAR international series.

Javanmardzadeh, A, and H. Darabi, in press. "The Archaeological Project of the Mehrān Plain", *Proceedings of the 8th ICAANE*, Warsaw, Poland.

Johnson, G. A. 1973. *Local Exchange and Early State Development in Southwestern Iran*, Anthropological Papers of the Museum of Anthropology, University of Michigan, no. 51, Ann Arbor.

Kouchoukos, N, 1998. *Landscape and Social Change in Late Prehistoric Mesopotamia*, Yale University, USA.

Mathews, R., 2002. *Secrete of the dark Mound: Jemdet Nasr 1926-1928*, British School of Archaeology in Iraq.

Moghaddam, A, 2012a. *Later Village Period Settlement Development in the Karun River Basin, Upper Khuzestan Plain, Greater Susiana, Iran*, BAR International series.

_____, 2012b. Southwestern Iran, in: *A Companion to the Archaeology of the Ancient Near East, First Edition*, D.T, Potts(ed.), Blackwell, Uk.

Moghaddam, A, and N. Miri 2003. "Archaeological Research in the Mianab Plain of Lowland Susiana, South-Western Iran, *Iran*, Vol. 41 (2003), 99-137.

Neely and Wright (eds.), 2010. *Elemite and Achaemenid settlement on the Deh Luran Plain*, Museum of Anthropology, University of Michigan, An Arbor, No.47.

Nissen, H. J. and Redman, C. L. 1970-71 "Preliminary Notes on an Archaeological Surface Survey in the plain of Behbahan and the Lower Zuhreh Valley", *Bastan Chenasi va Honar-e Iran* :48-50.

Nokandeh, J. 2010. "Archaeological survey in the Mehrān plain, Southwestern Iran", in: *Proceedings of the 6th International Congress on the Archaeology of the Ancient Near East*, Vol. II, Paolo Matthiae, Frances Pinnock, Lorenzo Nigro and Nicolò Marchetti, Sapienza(eds.), Università di Roma, 483-509.

Oates, J., 1968. "Prehistoric Investigations near Mandali, Iraq", *Iraq*, Vol. 30, pp. 1-20.

_____, 1983. "Ubaid Mesopotamia reconsidered" in: *Hilly flanks and Beyond: Essays in Prehistory of southwestern Asia in honor of Robert Braidwood*, Young, C.T., P, Smith and P. Mortensen(eds.), University of Chicago, 251-282.

Oates, David and Joan Oates. 1976. *The Rise of Civilization*, Elsevier Phaidon. UK.

Rothman, M., 2001, "The Tigris Piedmont, Eastern Jazira and Highland western Iran in the Fourth Millennium B.C", in: *Uruk Mesopotamia and It's Neighbors: cross-cultural interactions in the era of state formation*, Mitchell Rothman(ed.), School of American Research Press, 349-402.

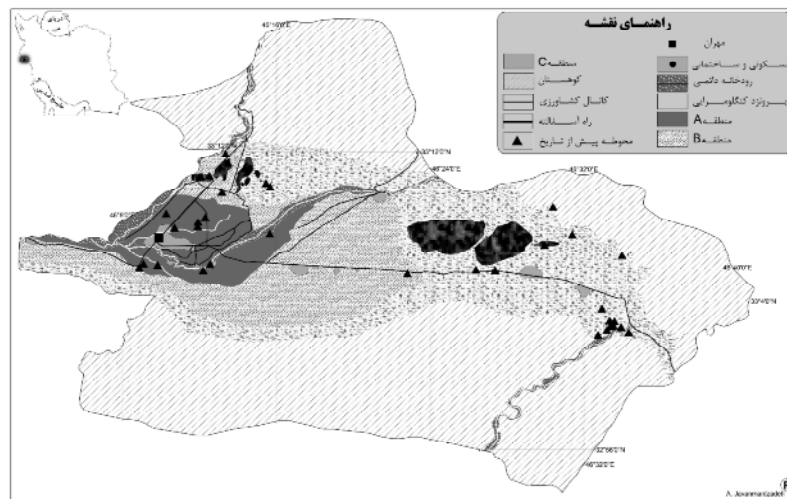
Stein, G., 1994. "Economy, Ritual and power in Ubaid Mesopotamia" in : *Chiefdoms and Early states in the Near East: The organizational Dynamics of Complexity*, G. Stein and M. Rothman(eds.), Prehistory Press, Monograph in World Prehistory, No. 18, 35-46.

Tissen, J., 1996. "La ceramique Obeid 0 (Tell el Oueili, campagnes 1983-1985) analysis structural du decor, in: *Oueili Travaux de 1987 et 1989*, lean-Louis Huot (ed.), Editions Recherché Sur les Civilizations, Paris, 201-288.

Wright, H., 1981. *An Early Town on the Deh Luran Plain: Excavation at Tepe Farukh Abad*, Memoirs of the Museum of Anthropology 13. Ann Arbor: University of Michigan.

Wright, H.T., and S.A., Rupley 2001, "Calibrated Radiocarbon age Determination of Uruk-Related Assemblages, in: *Uruk Mesopotamia and It's Neighbors: cross-cultural interactions in the era of state formation*, M. Rothman(ed.), School of American Research Press, 85-122.

Zeidi Kulhparacheh, M; S. Riehl and N. Conard, in press" New Excavation Result from Choghā Golan: A PPN site in the Zagros region of western Iran, *Proceedings of the 8th ICAANE*, Warsaw, Poland.

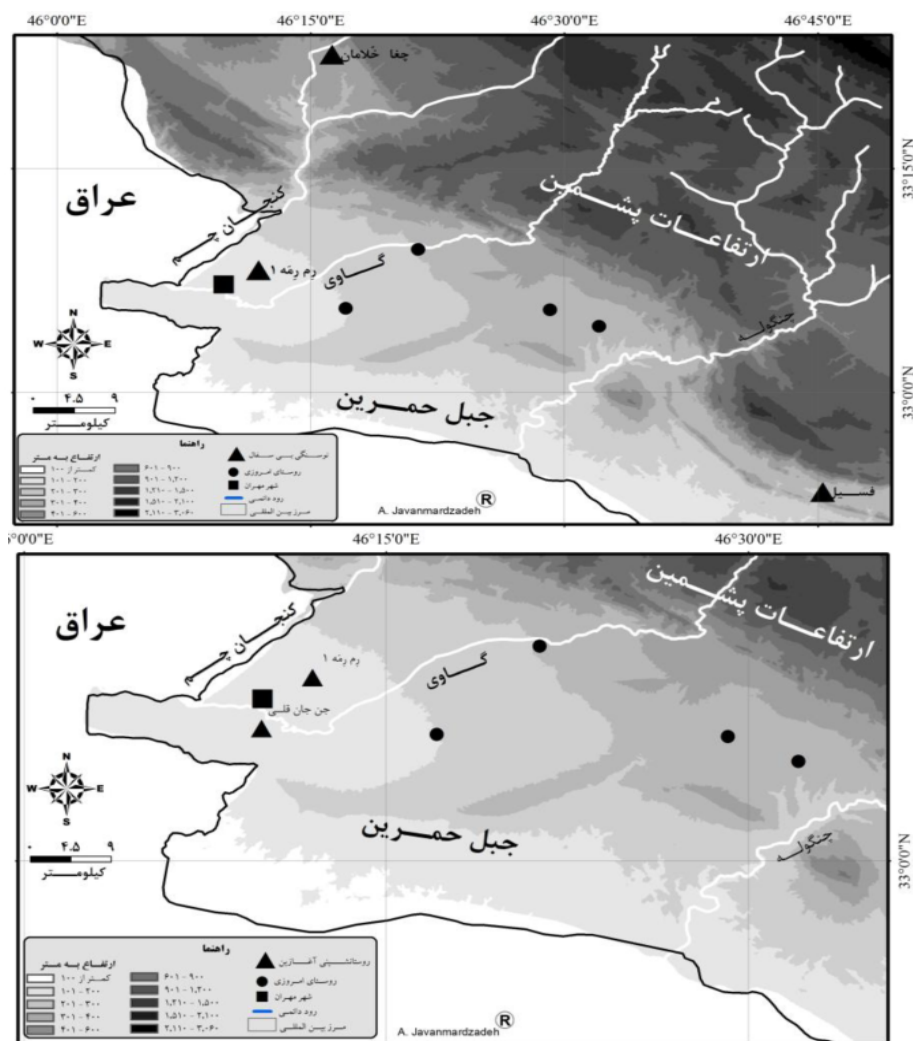


نقشه شماره ۱- موقعیت دشت مهران در ایران، کاربری بخش‌های مختلف دشت و الگوی پراکندگی محوطه‌های شناسایی شده
جدول شماره ۱- اطلاعات محوطه‌های شناسایی شده طی بررسی سال ۱۳۸۹

| ردیف | کد بررسی | نام محوطه | طول جغرافیایی | عرض جغرافیایی | ارتفاع از دریا (متر) | ابعاد (متر) |
|------|----------|--|---------------|---------------|----------------------|-------------|
| ۱ | MS 019 | رضآباد (Reza Abad) | ۶۱۴۰۶۴ | ۳۶۷۳۹۲۵ | ۲۴۰ | ۱۵۰ × ۱۸۰ |
| ۲ | MS 020 | چغا خَلامی ۱ (Chogha Kholami 1) | ۶۱۲۷۴۳ | ۳۶۷۱۶۷۸ | ۲۳۳ | ۱۵۰ × ۱۷۰ |
| ۳ | MS 023 | رَم رَمَه ۱ (Rem Remah 1) | ۶۱۱۹۲۶ | ۳۶۶۷۰۶۳ | ۱۷۴ | ۵۰۰ × ۶۰۰ |
| ۴ | MS 024 | رَم رَمَه ۲ (Rem Remah 2) | ۶۱۱۸۸۸ | ۳۶۶۶۶۳۵ | ۱۷۰ | ۱۵۰ × ۱۶۰ |
| ۵ | MS 027 | چغا اَحوان (Chogha Ahowan) | ۶۱۳۷۵۳ | ۳۶۷۰۰۷۶ | ۲۱۵ | ۵۰۰ × ۵۵۰ |
| ۶ | MS 029 | چغا بُوچِگ، عُضیر، سید حسن ب/ جنوبی (Chia Boicheg, Ozeir, South Seyed Hasan) | ۶۱۲۳۴۶ | ۳۶۶۲۳۴۸ | ۱۷۲ | ۳۰۰ × ۳۵۰ |
| ۷ | MS 030 | جَن جانقلی (Jen Jan Qoli) | ۶۰۸۶۹۵ | ۳۶۶۲۷۹۵ | ۱۵۱ | ۱۰۰ × ۱۰۰ |
| ۸ | MS 033 | گاوی (Gāvi) | ۶۱۷۷۰۷ | ۳۶۶۵۹۹۴ | ۱۹۰ | ۵۰ × ۶۰ |

جدول شماره ۲- محوطه‌های شناسایی شده مورد بحث طی بررسی سال ۱۳۸۹ و ادوار فرهنگی آن‌ها

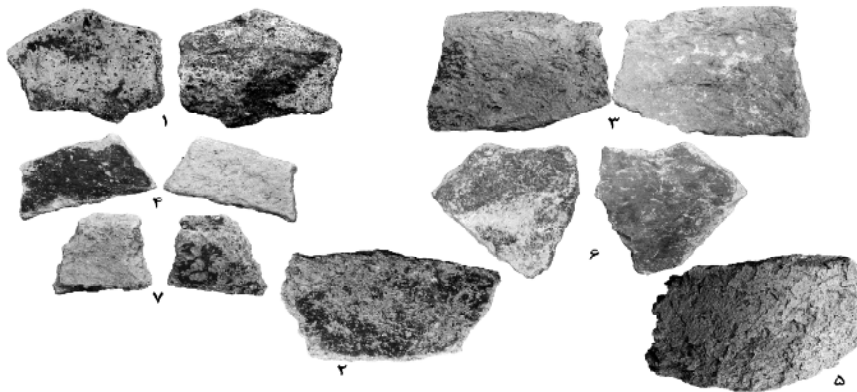
| ردیف | کد بررسی | نوسنگی بی‌سفال پ.م. ۶۳۰۰-۷۰۰۰ | روستانشینی آغازین پ.م. ۵۴۰۰-۶۳۰۰ | روستانشینی قدیم پ.م. ۴۸۰۰-۵۴۰۰ | روستانشینی میانه پ.م. ۴۲۰۰-۴۸۰۰ | روستانشینی جدید پ.م. ۳۸۰۰-۴۲۰۰ |
|------|----------|----------------------------------|-------------------------------------|-----------------------------------|------------------------------------|-----------------------------------|
| | MS 019 | | | | × | × |
| | MS 020 | | | × | × | |
| | MS 023 | × | × | × | × | |
| | MS 025 | | | | × | × |
| | MS 027 | | | | × | × |
| | MS 029 | | | | × | |
| | MS 030 | | × | × | × | |
| | MS 033 | | | | × | |



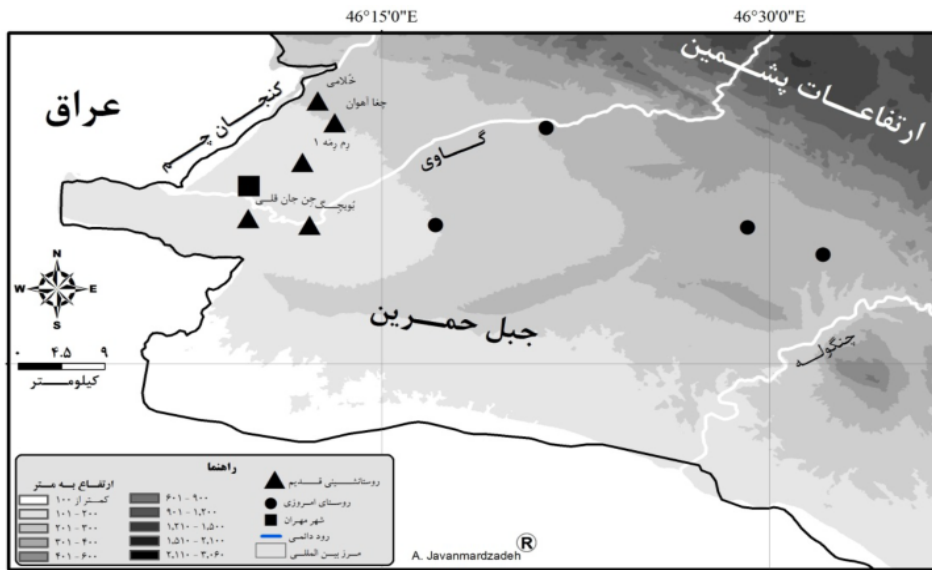
نقشه شماره ۲ و ۳- الگوی پراکندگی محوطه‌های دوره نوسنگی بی‌سفال (بالا) و روستانشینی آغازین (پایین)

جدول شماره ۳- کاتالوگ سفال‌های تصویر شماره ۱

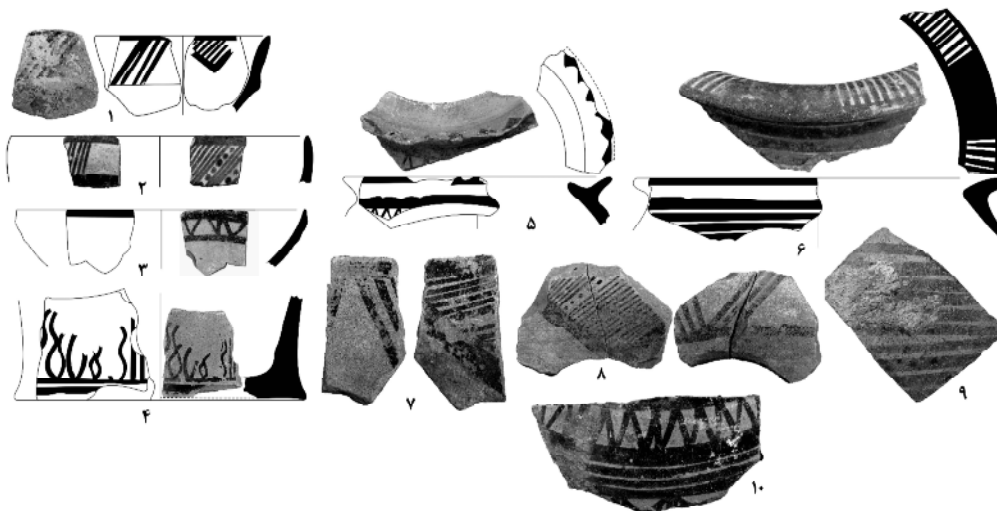
| ردیف | محوطه | توصیف: نوع قطعه، رنگ، پوشش، ماده چسباننده، پخت | دوره فرهنگی | منبع |
|------|--------|---|-------------------|-------------------------|
| ۱ | MS 023 | بدنه، نخودی، غلیظ قرمز، گیاهی، ناکافی، پوک | روستانشینی آغازین | Alizadeh 2003: Pl. 21-3 |
| ۲ | MS 023 | بدنه، قرمز روشن، غلیظ قرمز، گیاهی، کافی، پوک | روستانشینی آغازین | Alizadeh 2003: Pl. 21-3 |
| ۳ | MS 023 | بدنه، قرمز روشن، غلیظ قرمز، گیاهی، کافی، پوک | روستانشینی آغازین | Alizadeh 2003: Pl. 21-3 |
| ۴ | MS 023 | بدنه، قرمز روشن، غلیظ قرمز، گیاهی، کافی، پوک | روستانشینی آغازین | Alizadeh 2003: Pl. 21-3 |
| ۵ | MS 023 | کف، قهوه‌ای روشن، غلیظ قرمز، گیاهی، ناکافی، پوک | روستانشینی آغازین | Alizadeh 2003: Pl. 21-3 |
| ۶ | MS 023 | بدنه، قرمز روشن، غلیظ قرمز، گیاهی، کافی، پوک | روستانشینی آغازین | Alizadeh 2003: Pl. 21-3 |
| ۷ | MS 023 | بدنه، قرمز روشن، غلیظ قرمز، گیاهی، کافی، پوک | روستانشینی آغازین | Alizadeh 2003: Pl. 21-3 |



تصویر شماره ۱- نمونه سفال‌های آغاز روستانشینی



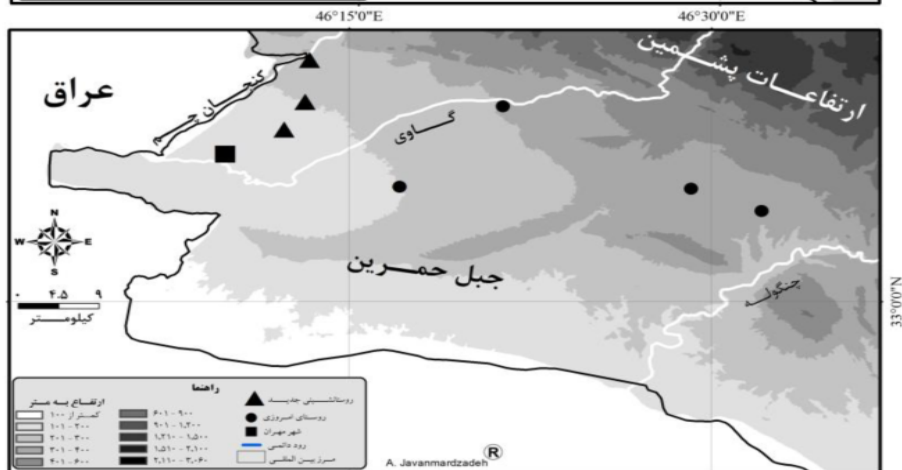
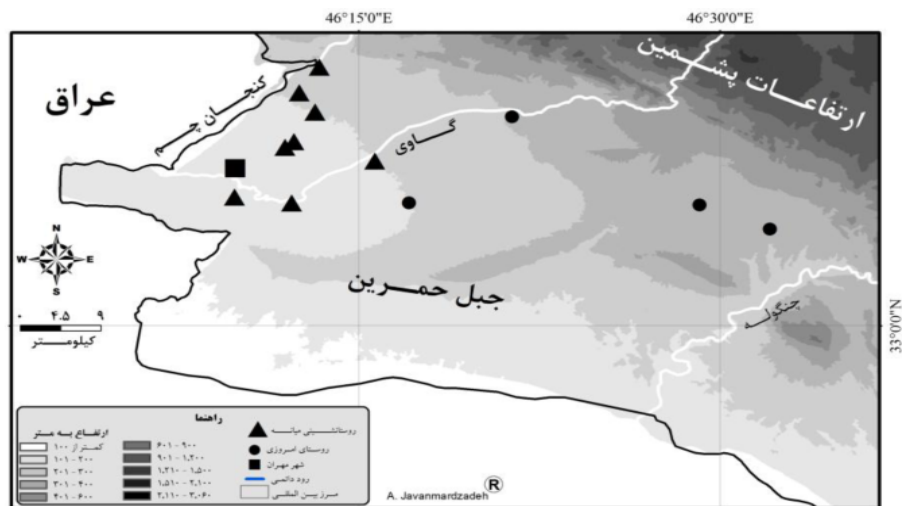
نقشه شماره ۴- الگوی پراکندگی محوطه‌های دوره روستانشینی قدیم



تصویر شماره ۲- نمونه سفال‌های روستانشینی قدیم

جدول شماره ۴- کاتالوگ سفال‌های تصویر ۲

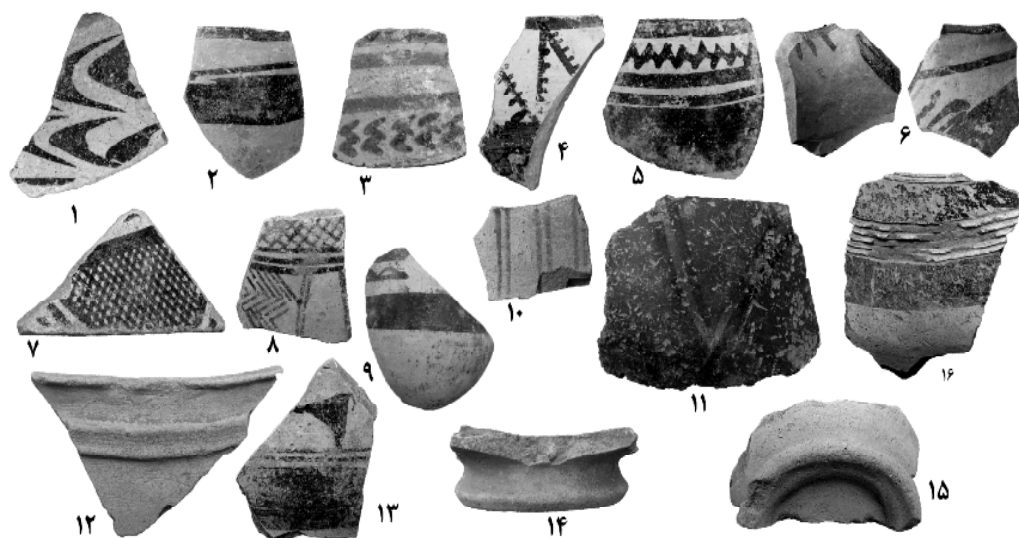
| شماره | محوطه | توصیف: نوع قطعه، رنگ، پوشش، ماده چسباننده، پخت | دوره فرهنگی | منبع |
|-------|--------|--|-----------------|---|
| ۱ | MS 023 | لبه، کاسه، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی | روستانشینی قدیم | Tissen 1996: Pl.6, No. a; Hole 1977: Pl. 35 |
| ۲ | MS 023 | لبه، کاسه، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی | روستانشینی قدیم | Oates 1968: Pl. IV |
| ۳ | MS 023 | لبه، کاسه، نخودی مایل به سبز، نخودی مایل به سبز، ماسه بادی، کافی | روستانشینی قدیم | Breniquet 1996: 172: No. 3; Hole 1977: Pl. 35 |
| ۴ | MS 023 | کف، کاسه، نخودی مایل به سبز، نخودی مایل به سبز، ماسه بادی، کافی | روستانشینی قدیم | ————— |
| ۵ | MS 023 | لبه، کاسه، نخودی مایل به سبز، نخودی مایل به سبز، ماسه بادی، کافی | روستانشینی قدیم | Oates 1983: Fig.7 |
| ۶ | MS 023 | لبه، کاسه، نخودی مایل به سبز، نخودی مایل به سبز، ماسه بادی، کافی | روستانشینی قدیم | ————— |
| ۷ | MS 023 | بدنه، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی | روستانشینی قدیم | Oates 1968: Pl. IV; Hole 1977: Pl. 35 |
| ۸ | MS 023 | بدنه، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی | روستانشینی قدیم | Oates 1968: Pl. IV; Hole 1977: Pl. 35 |
| ۸ | MS 020 | بدنه، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی | روستانشینی قدیم | Oates 1968: Pl. VII.; Tissen 1996: Pl.62 |
| ۱۰ | MS 023 | بدنه، نخودی مایل به سبز، نخودی مایل به سبز، ماسه بادی، کافی | روستانشینی قدیم | Oates 1983: Fig.7 |



نقشه شماره ۵ و ۶- الگوی پراکنده‌گی محوطه‌های دوره روستانشینی میانه (بالا) و جدید (پایین)

جدول شماره ۵ - کانالوگ سفال‌های تصویر ۳

| شماره | محوطه | توصیف: نوع قطعه، رنگ، پوشش، ماده چسباننده، پخت | دوره فرهنگی | منبع |
|-------|--------|--|-----------------|---|
| ۱ | MS 025 | لبه، کاسه، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی | روستانشینی جدید | _____ |
| ۲ | MS 023 | لبه، کاسه، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی | روستانشینی جدید | Wright 1981: Fig. 22 |
| ۳ | MS 029 | لبه، کاسه، نخودی مایل به سبز، نخودی مایل به سبز، ماسه بادی، کافی | روستانشینی جدید | Jasim 1985: Fig. 23, No.5 |
| ۴ | MS 023 | لبه، کاسه، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی | روستانشینی جدید | _____ |
| ۵ | MS 025 | لبه، کاسه، نخودی مایل به سبز، نخودی مایل به سبز، ماسه بادی، کافی | روستانشینی جدید | Hole 1977: Pl. 29, No. d; Wright 1981: Fig. 16, No.a |
| ۶ | MS 025 | لبه، کاسه، نخودی مایل به سبز، نخودی مایل به سبز، ماسه بادی، کافی | روستانشینی جدید | _____ |
| ۷ | MS 023 | بدنه، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی | روستانشینی جدید | _____ |
| ۸ | MS 019 | بدنه، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی | روستانشینی جدید | _____ |
| ۹ | MS 025 | بدنه، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی | روستانشینی جدید | Wright 1981: Fig. 22 |
| ۱۰ | MS 027 | بدنه، نخودی مایل به سبز، نخودی مایل به سبز، ماسه بادی، کافی | روستانشینی جدید | Delougas & Kantor 1996: Pl. 56 |
| ۱۱ | MS 019 | بدنه، قرمز، رقیق نخودی، ماسه بادی، کافی، نقش شیاری | روستانشینی جدید | Jasim 1985: Fig. 35 |
| ۱۲ | MS 023 | بدنه، نخودی مایل به سبز، نخودی مایل به سبز، ماسه بادی، کافی | روستانشینی جدید | Calvet 1991: 203, No.173 |
| ۱۳ | MS 023 | بدنه، نخودی مایل به سبز، نخودی مایل به سبز، ماسه بادی، کافی | روستانشینی جدید | _____ |
| ۱۴ | MS 019 | کف، قرمز روشن، قرمز روشن، ماسه بادی، کافی | روستانشینی جدید | Calvet 1991: 189, No.99 |
| ۱۵ | MS 019 | کف، قرمز روشن، رقیق نخودی، ماسه بادی، کافی | روستانشینی جدید | Calvet 1991: 189, No.99 |



تصویر شماره ۳ - نمونه سفال‌های روستانشینی میانه و جدید